سال بیست‌وسوم ■ شماره ۶۵۰۶
یکشنبه ■ ۷ خرداد ۱۳۹۶

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی / امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ - ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: اشراق قلم‌پارسه سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی چاپ همزمان اصفهان (آتیل رسانه)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

دعای ماه مبارک رمضان

دعای روز دوم

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِی فِیهِ إِلَی مَرْضَاتِک وَجَنِّبْنِی فِیهِ مِنْ سَخَطِک وَ نَقِمَاتِک وَ وَفِّقْنِی فِیهِ لِقِرَائَةِ آیاتِک بِرَحْمَتِک یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

خدایا مرا در این ماه به خشنودی ات نزدیک کن، و از خشم و انتقامت برکنار دار، و به قرائت آیاتت موفق کن، ای مهربان ترین مهربانان.

پوکر فیس

محمدامین فرشادمهر

دوستی ساده ما غیرمعمولی شد

از قدیم گفتن زمستون می‌ره و روسیاهی به زغال می‌مونه که البته ربطی به چیزی که می‌خوام بگم نداره. در واقع می‌خواستم بگم که انتخابات میاد و می‌ره و چیزی که همیشه می‌مونه همین رفاقت‌ها و دوستی‌هاست. مثلاً در جریان انتخابات اخیر شاهد دوستی و اخوت کم‌نظیری بین ستادها و طرفداران دو کاندیدای اصلی بودیم. به‌عنوان نمونه، قبل از آغاز رأی‌گیری، یک سری اشیا کف خیابون به چشم‌مون می‌خورد که بعد از کلی دقت و کنجکاوی و ارسال برای بخش تشخیص هویت پزشکی قانونی می‌فهمیدیم بنر دکتر روحانیه. خب همین که یک عده جَک و جَوون، نیمه‌های شب میان بنرها رو باز و با قمه و قداره به قسمت‌های مساوی تقسیمش می‌کنن تا بعد از انتخابات کار ستاد دکتر روحانی راحت باشه، نشان از دوستی و اخوت تو رگی این عزیزان داشت. یا بعد از پایان رأی‌گیری و در هنگام شمارش آرا اگر شما گروه‌های تلگرامی رو خوب رصد می‌کردید، می‌دیدید عده‌ای از مخالفان دکتر روحانی تأکید داشتن که چیزی که اهمیت داره فقط و فقط (با تشدید روی ق) حضور میلیونی مردم پای صندوقه. وگرنه این صندلی‌ها رو کی داده، کی گرفته؟! بعدش هم با بغض می‌دویدن تو اتاقشون و در رو می‌بستن. بعد از انتخابات هم به غیر از یکی دو مورد تهدید به قتلی که الکی شلوغش کرده بودن (انگار چی شده یه قتل ساده است دیگه)، صحبت‌هایی شنیدیم از اینکه باید رأی‌ها از ۱۶ به ۱۹ و از ۲۳ به ۲۱ تغییر کنه که خب لزوم همگرایی و دوستی و اخوت و صمیمیت رو تا ته مشاهده می‌کردیم. یا مثلاً استاد مشایخی بازیگر ارجمندمون گفته بودن که «اگر روحانی رأی نمی‌آورد من به خارج می‌رفتم». که خب حتماً می‌خواسته به میمنت و شادی و از ذوقی که داشتن تشریف ببرن خارج گل بچینن یا گلاب بیارن. گذشته از آنچه عرض کردم، یکی از صحبت‌هایی که باعث شد تا شعاع یک کیلومتری گوینده آن، برگ‌های درختان بعد از یک بلوغ زودرس زرد بشن و بریزن این بود که «رای آقای رئیسی با توجه به امکانات کمی که در اختیار داشتن در واقع دست کم ۳۰ میلیون بوده!». که البته کاملاً حرف صحیحیه چرا که با توجه به امکانات کمی که در شهرستان‌ها نسبت به تهران هست و آموزشگاه‌هایی که دکتر روحانی رفته اصلاً هم کار شاقی انجام نداده؛ اگر حتی جناب قالیباف هم بود با این هزینه‌ها و امکانات، برق شریف رو هم می‌آورد چه برسه به ریاست جمهوری پاستور!

کیوسک

ادیب برومند در «سپهر عدالت»

تازه ترین شماره دوهفته نامه «سپهر عدالت» به مدیرمسئولی لیلا مشتاقی و سردبیری مرتضی شیخ‌الاسلامی منتشر شد.

صفحات ویژه این شماره و همچنین تصویر روی جلد به «عبدالعلی ادیب برومند» اختصاص دارد و محمدحسین نصیری کهنمویی با عنوان «وکیل برومند» و جهانگیر مستوفی با عنوان «اندیشمندی ایران‌دوست» مطالبی نوشته‌اند و چهار شعر هم از او آمده است و محسن عابدی جزی، تضمینی بر غزلی از استاد سروده است. نقدی بر پیشنهاد تأسیس کمیته حل اختلاف و میانجیگری کانون وکلای دادگستری مرکز، وضعیت معاملات اموال غیرمنقول، آرای صادره از محاکم داوری ایکسید و نقش آن در توسعه حقوق بین‌الملل، مالیات بر ارزش افزوده راهکاری در جهت مبارزه با پول‌شویی، آداپتاسیون قراردادی، پیشنهاد تدوین استراتژی حل مسأله صورت و ماهیت «سازه‌های حقوقی» در ایران، ناکامی انسان متعارف معقول در تأمین عدالت مطلق و نظریه انسان اقتصادی معقول عناوین مطالب این شماره است. شماره ۲۴۱ مجله سپهر عدالت، در ۸۰ صفحه و به قیمت ۱۰ هزار تومان نشر یافته است.

یکشنبه بازار فرهنگ

■ **رونمایی کتاب «استادیوم فرح‌آباد (تختی)»**

مراسم معرفی و رونمایی از کتاب «استادیوم فرح‌آباد (تختی)» به قلم جهانگیر درویش؛ معمار و سازنده استادیوم، امروز ساعت ۱۱ صبح در آمفی تئاتر دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران واقع در میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان دانشگاه برگزار می‌شود.

■ **نشست «زیستن خردمندانه در صلح»**

سومین نشست «زیستن خردمندانه در صلح» با موضوع حکمت‌های عملی شیخ اجل سعدی برای نفی خشونت و افراط گری با سخنرانی عبدالمهدی مستکین مدیرکل فرهنگی کمیسیون ملی یونسکو ایران، امروز ساعت ۱۰ صبح به نشانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی واقع در بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آیینه وند (۶۴ غربی)، برگزار می‌شود.

■ **نشست «نقد جنبش روشنگری بر دین»**

نشست «نقد جنبش روشنگری بر دین» با سخنرانی همایون همتی، امروز ساعت ۱۶ در حسینیه ارشاد واقع در خیابان دکتر شریعتی برگزار می‌شود.

■ **جلسه داستان خوانی در شهر کتاب مرکزی**

نشست‌های داستان‌خوانی فروشگاه مرکزی شهر کتاب به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان مطهری، نرسیده به خیابان معلم، نبش کوچه کلاته همزمان با نخستین هفته ماه مبارک رمضان، در دو روز یکشنبه، ۷ خرداد و همچنین پنجشنبه، ۱۱ خرداد ساعت ۲۲ برگزار می‌شود.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۳۰	۳۵	۳۶	۴۵	۳۹	۴۱	۳۸	۲۵
۱۳	۲۳	۲۲	۲۸	۲۸	۲۳	۱۹	۱۹

اذان ظهر ۱۳/۰۲ اذان مغرب ۲۰/۳۳ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ اذان صبح فردا ۴/۰۹ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۱

پیام پارسا فر

عکس‌نوشت

شکوه مقیمی

در اندوه نوزدهمین سالگرد سقوط «شلمچه»

شهری با نخل‌های بی‌سر و سایه‌های سرگردان

معبر، یعنی گذرگاه، مکان امنی برای عبور. جاده‌ها، راه‌ها و کوچه‌ها معبرند. اما گاهی ماهیت برخی از شهرها به معبر تبدیل می‌شود، معابری امن و شهرهایی ناامن. این گونه شهرها می‌شوند تنها گذرگاهی برای مسافرانی که مقصدی دیگر می‌جویند. آن وقت است که میان واژگان شهر یا معبر گیر می‌کنی؟ شاید ناکجا بهترین واژه باشد برای این نقاط که جغرافیایشان بخش مهمی از تاریخ را نوشته است اما انگار زمان، دیگر این مکان‌ها را به خود نمی‌پذیرد. پیام پارسافر، فیلمساز جوان «معبر» را معنای دیگری داده است و مستند کوتاهی را از دل آن بیرون کشیده و از «شلمچه» می‌گوید. شلمچه یکی از همان نقاطی است که معبری شده برای عبور زائران کربلا. شهری که جنگ هویتش را دزدید و چیزی جز نامی با بار معنایی دهه ۶۰ برایش باقی نگذاشت. شهری با نخل‌های بی‌سر. با دیوارهای گلوله خورده، پرچم‌های آواره و سایه‌های سرگردان. پارسافر عبور کاروانی را به تصویر کشیده که باید برای رسیدن به مقصد از شلمچه‌ای بگذرند که مرز میان ایران و عراق آنجا تعریف شده است. شهری در شمال غرب آبادان و خرمشهر که فاصله چندانی با خلیج فارس ندارد اما رنگی از شادابی و سرزندگی کشورهای خلیجی را به خود ندیده است. عابران هر جا سایه‌ای یافته‌اند نشسته و مشغول استراحتند، یکی سیگار گیرانده، دیگری در حال غذا خوردن است و آن یکی به نقطه‌ای خیره مانده. صدای نوحه بلند است و عده‌ای در حال تقسیم کردن غذای نذری هستند، همه چیز عادی به نظر می‌رسد که پارسافر به سراغ سایه زائران می‌رود، سایه‌هایی افتاده بر زمین، بر دیوارها، سایه‌های تودرتو که کسانی را به یاد مخاطب می‌آورند که در میانه هشت سال جنگ ایران و عراق رفته‌اند و هرگز بازنگشته‌اند. درهم پیچیدن این سایه‌ها و خیال‌ها با زائران آنقدر عمیق شده که زمان گم می‌شود و واقعیت از دست می‌رود. گویی زمان نگذشته، همان گونه که زمان برای شلمچه نگذشته و این شهر- یا معبر- درهمان وضعیت ۳۰ سال پیش باقی مانده و تنها جنون جنگ بر دیوارها و خاک و آسمانش پاشیده شده است. پیرمردها و پیرزن‌هایی که در شهر باقی مانده‌اند با حال و قیافه‌ای نمور و زار به ناامیدی خیره شده‌اند و هریک در خیالات خود غرق شده‌اند.

فیلم معبر نیز همچون خواب و خیالی است و تعبیر این خواب آشفته را نمی‌توان در گستره واژگان گنجاند، خوابی که انگار پایانی ندارد و صبح دولت برای این معبرها کی قرار است بدمد معلوم نیست. به راستی این خواب با وجود گذشت ۳۰ سال چگونه تعبیر خواهد شد؟

روزنه

میلاد عبدی
دبیر انجمن علمی زبان‌شناسی دانشگاه علامه‌طباطبایی

گزارشی از نخستین دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران

مجمع زبان شناسان باستان

نخستین دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران به همت دانشگاه شهید بهشتی و با همکاری دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بنیاد ایران‌شناسی و سازمان مطالعه و تدوین در نخستین روزهای خرداد ماه سال جاری در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

این همایش که قرار است هر دو سال یکبار در یکی از دانشگاه‌های معتبر کشور برگزار شود به دلیل کمبود همایش‌های تخصصی در حوزه فرهنگ و زبان‌های باستانی و مجامعی با حضور اکثریت فعالان این رشته از اهمیت خاصی برخوردار است و برگزاری چنین همایشی بسیار کم سابقه است.

روز نخست این همایش با خیرمقدم رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی و آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق استاد این دانشگاه آغاز شد و با قدردانی از استادان پیشکسوت زبان‌های باستانی چون سرکارخانم دکتر بدرالزمان قریب، جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی و سرکارخانم دکتر ژاله آموزگار همراه بود. هرسه استاد از استادان بازنشسته دانشگاه تهران هستند و تألیفات آنان در گسترش و پیشرفت این رشته در کشور نقش بسزایی داشته است.

در این همایش که با حضور اکثریت استادان مطرح رشته زبان‌های باستانی از شهرهای دور و نزدیک و دانشگاه‌های شهر تهران برگزار شد، سخنرانی‌های بسیاری ارائه شد و بحث‌های فراوانی پیرامون مباحث مختلف زبان‌های باستانی شکل گرفت.

از سخنرانان مطرح روز اول می‌توان به آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده و آقای دکتر احسان چنگیزی استادان دانشگاه علامه طباطبایی، آقای دکتر احمدرضا قائم مقامی استاد دانشگاه تهران و آقای دکتر یدالله منصوری استاد دانشگاه شهید بهشتی اشاره کرد.

در روز دوم خانم دکتر فرزانه گشتاسب استاد پژوهشگاه علوم انسانی و آقای دکتر محمد شکری فومشی به سخنرانی پرداختند و همایش با نشستی پیرامون رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی و جلسه نقد کتاب به پایان رسید.

برگزاری چنین همایشی برای رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی بسیار قابل قدردانی است اما برخی کاستی‌ها در زمان‌بندی و شیوه اجرای این همایش کاملاً مشهود بود. همچنین می‌توان به پذیرش مقالات بسیاری در حوزه‌های گوناگون حتی غیر از چارچوب رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی اشاره کرد و این نوع شیوه پذیرش سبب شد تا مقالاتی با کیفیت نه چندان مطلوب و حتی غیرعلمی نیز سهمی از این همایش داشته باشند.

ایران نگاری

علی رنگچیان
طراح و مجری «تجربه گردشگری شهری»

به بهانه زادروز «فریدریش روکرت» ایران‌شناس آلمانی

راوی آلمانی زبانِ شعر فارسی

تأثیر سفرنامه آدام اولئاریوس مترجم فرستادگان دربار شلویک - هولشتاین آلمان در قرن هفدهم به دربار شاه صفی در اصفهان در اقبال نویسندگان و شاعران آلمانی به ایران بسیار مؤثر و چشمگیر است. به محض اینکه غربیان به عظمت آثار و افکار ایرانیان از طریق ترجمه پی بردند موجی از ترجمه آثار به وجود آمد. ادیب آلمانی «فریدریش روکرت» که شاعر هم بود اشعار رستم و سهراب را از شاهنامه استخراج و به زبان آلمانی فصیح ترجمه کرد. همه مشتاق بودند زبان فارسی را بیاموزند. بازار زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و عبری چنان داغ شد که شخصیت‌هایی مثل «روکرت» شبانه‌روز تلاش کردند تا با فارسی به‌طور کامل آشنا شوند. اینجا بود که ادبیات فارسی به آلمان راه یافت و بخشی از تاریخ ادبیات را به خود اختصاص داد. او راه ادبیات فارسی به آلمان را گشود. روکرت در سال ۱۸۲۶ استاد شرق‌شناسی دانشگاه ارلانگن شد و به این ترتیب شرق‌شناسی علمی و دانشگاهی را در آلمان بنیان نهاد. وی، که از او به‌عنوان «پدر شرق‌شناسی آلمان» یاد می‌شود، نخستین کسی بود که شیوه غزلسرایی را در زبان آلمانی به‌وجود آورد. روکرت خود را مرید و شاگرد مولانا می‌داند و می‌گوید از نظر اندیشه و تفکر تمام عمرم مدیون مولوی ایرانی بوده‌ام.

تحول روحی بزرگ او زمانی رخ داد که در سال ۱۹۱۷ و تأثیر پذیرفته از راه و روش زندگی گوته تصمیم گرفت که به ایتالیا سفر کند. در راه بازگشت از این سفر و در سال ۱۹۱۸ روکرت به وین رسید و به دیدار یوزف فون هامر پورگشتالِ اتریشی، بزرگترین شرق‌شناس آن دوره در کشورهای آلمانی زبان

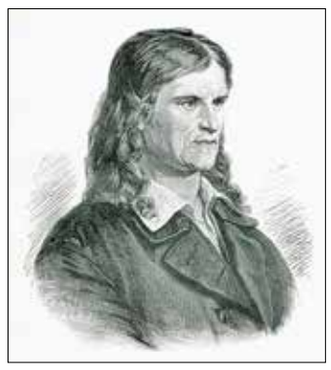

شتافت. در آن زمان هامر بسیار شهرت داشت و دیوان غزلیات حافظ را به آلمانی ترجمه کرده بود. تحت تأثیر همین اثر گوته در حال نگارش دیوان غربی- شرقی خود بود. روکرت طی سال‌ها فعالیت خود آثار بسیاری را از زبان فارسی به آلمانی ترجمه کرده است که از آن میان می‌توان به ترانه‌های محلی گیلان و مازندران، شاهنامه فردوسی، بخش‌هایی از گلستان سعدی و رباعیات خیام، هفت پیکر نظامی و چندین اثر دیگر اشاره کرد. امروزه بنیاد فریدریش روکرت از شهرت جهانی برخوردار است و وظیفه گردآوری، تصحیح و انتشار این آثار را برعهده دارد. همچنین جایزه‌ای ادبی نیز به نام «فریدریش روکرت» وجود دارد که هر سه سال به یک نویسنده اعطا می‌شود.

دلا دیده بر جوهر جان فکن/ که جامه بود بر تن هر سخن (فریدریش روکرت)

خبر آخر

نمایش سلفی ناصرالدین‌شاه در کاخ گلستان

نمایشگاه عکس‌های دوره ناصری به مناسبت هفته میراث فرهنگی در مجموعه فرهنگی تاریخی گلستان افتتاح شده است و در این نمایشگاه ۳۰ قطعه عکس که ناصرالدین شاه در فاصله سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۸ هجری قمری گرفته، به نمایش گذاشته شده است. همچنین در این نمایشگاه نخستین عکس سلفی ناصرالدین شاه در تالار آیینه که عکس خود و همسرانش را در آیینه انداخته است به نمایش گذاشته شده و می‌توان گفت این اثر، نخستین عکس سلفی است که حدود ۱۳۶ سال پیش گرفته شده است. موضوع بیشتر عکس‌های این نمایشگاه، زنان حرمسرای ناصرالدین شاه است، چراکه ناصرالدین شاه به‌عنوان عکاس این آثار، به مناسبت موقعیتش نخستین عکاس ایرانی بوده و علاوه براین تنها کسی بوده که می‌توانسته این تعداد عکس از زنان حرمسرا بگیرد. هرچند تاریخ دقیق گرفتن این عکس سلفی توسط ناصرالدین شاه مشخص نیست ولی برخی مورخان معتقدند این اثر، نخستین و قدیمی‌ترین سلفی جهان است.

در این نمایشگاه مرقعات نفیس و ۱۷ تخته از قالیچه‌های نفیس این کاخ موزه برای نخستین بار به نمایش گذاشته شده است که مربوط به دوره قاجار و پهلوی با طرح‌های محرابی، تصویری، لچک و ترنج هستند. این سه نمایشگاه همزمان از ۲ تا ۹ خرداد ماه در کاخ موزه گلستان واقع در میدان پانزده خرداد میزبان علاقه مندان است.

نگاره

فیروزه مظفری

جهان را به کودکان بسپارید / آنها زمین را از ما خواهند گرفت
و درختان جاویدان در آن خواهند کاشت
ناظم حکمت

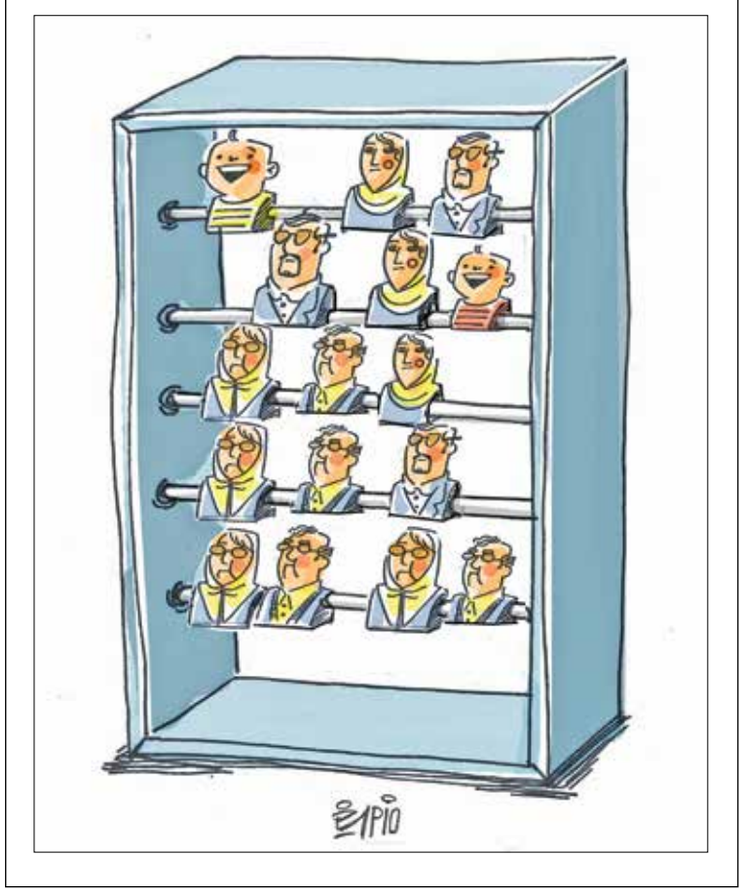

عدد

۴ ژانر موسیقی در گروه «روناک نوین»

سوم خرداد، گروه موسیقی «روناک نوین» به سرپرستی کیوان علی‌محمدی قطعاتی از موسیقی سنتی، محلی، پاپ و بین‌الملل را در تالار وحدت برای مخاطبانش اجرا کرد. در بخش محلی آثاری از نقاط مختلف ایران اجرا شد؛ همچنین در بخش بین‌الملل قطعه «حبیبی» از موسیقی کشور مصر و قطعه‌ای به زبان انگلیسی به خوانندگی آرمین شریف‌پور اجرا شد.

۵۰ اُمین حضور جهانی «لانتوری» در آرژانتین

فیلم سینمایی «لانتوری» ساخته رضا درمیشیان در پنجاهمین حضور جهانی خود در بخش مسابقه هفدهمین جشنواره فیلم حقوق بشر «بوئنوس آیرس» به نمایش درخواهد آمد. این جشنواره از دهم تا هفدهم خرداد در کشور آرژانتین برگزار می‌شود و «لانتوری» با فیلم‌هایی از کشورهای ایتالیا، آلمان، اسپانیا، بلژیک، اردن، لوکزامبورگ، بولیوی و ارمنستان به رقابت خواهد پرداخت.

یادداشت‌های ایران باستان

سهراب گنجی مراد
پژوهشگر تاریخ

کوروش کبیر، پادشاه ظاهر و باطن

گمان مبر که به آخر رسید کار مغان / هزار باده ناخورده در رگ تاک است

در این ستون که نخستین مطلبش را در پیش رو دارید؛ حوزه‌های متفاوتی از فرهنگ و تاریخ ایران باستان را بررسی خواهیم کرد: کوروش کبیر، مغان (مربیان کورش کبیر)، گاهین زرتشت، حکمت مغانی، قالی (سرالاسرار هنر ایرانی)، شطرنج، فردوسی، حافظ، خیام، هفت شهر عشق عطار و غیره. بحث «کوروش و مربیان او (مغان باستان)» یا «قالی و ۷ رمز مغانی آن»، به تنهایی هریک، لااقل دو یا سه سال به طول خواهد انجامید. این بررسی با دیدگاه و روشی کاملاً ویژه و خاص انجام می‌شود: دیدگاه جاودان خرد، تأمل ویژه‌ای که بسیاری از معماهای لاینحلی که تحقیقات دیگر قادر به پاسخ به آن نبوده‌اند، خواهد گشود. در این روش با قدم گذاشتن بر فَرق سه کجروی و اعوجاج بزرگ، شما را با جنبه‌های متفاوت وژرفی از ایران باستان آشنا خواهیم کرد. البته آشنایی با این روش جدید، اصیل و پویا با یک یا دو مطلب محقق نخواهد شد. برای پرهیز از مواجه شدن با بحث سنگین روش شناسی، با اشاره مختصری به سه انحراف بزرگ، آنها را در قالب ذکر مثالی (کوروش کبیر) توضیح خواهیم داد. این سه مورد که تبعیت از آنها خسارت جبران‌ناپذیری را به مطالعات فرهنگ ایران باستان وارد کرده، عبارتند از: ملی گرایی (ناسیونالیسم)، قوم‌گرایی (راسیسم) و تحقیقات ناقص شرق شناسان غربی (اورینتالیسم).

■ **شرق‌شناسان غربی**

نقایص ملی‌گرایی و قوم‌گرایی، در هنگام بحث روشن خواهد شد. اما مورد سوم: شرق شناسان غربی، نیازمند توضیح است. طیف عظیم شرق‌شناسان غربی، خدمات فراوانی به فرهنگ این مرز و بوم کرده‌اند، قدردانی نکردن از خدمات دانشمندانی که تمامی عمر خود را صرف آن کرده‌اند، کمال ناسپاسی است. اما نکته لطیف و ظریف این است که آنها راه‌های بسیاری را گشوده و راه‌های فراوانی را هم مسدود کرده‌اند، واقعیتی بسیار مهم که متأسفانه بسیاری از محققان داخلی از آن غافل بوده‌اند. غفلتی که باعث شده آنها هم، همان اشتباه‌ها و خبط‌های عظیم مستشرقان غربی را تکرار کرده‌اند. حوزه این اشتباه‌ها فوق‌العاده وسیع است.

■ **مطالعات ناقص درباره کوروش کبیر**

در بررسی کوروش کبیر: پادشاه ظاهر و باطن، محققان بدون شناخت این شخصیت باطنی که نماد فرهنگ ایران باستان است دچار اشتباه‌های بی‌حد و حصری شده‌اند. تا آنجا که می‌توان به یقین مدعی شد حتی یک کتاب خوب در ایران و جهان راجع به این شخصیت بزرگ وجود ندارد. برخی با اسیر شدن در دام ایدئولوژی ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) و قوم‌گرایی (راسیسم) از او بتی ساخته‌اند و در برابر آرامگاهش سجده می‌کنند. عده‌ای او را پیامبر ایرانِ باستان دانسته‌اند. برخی دیگر، منشور کوروش را در مقابل عهدنامه مالک اشتر امام علی(ع) قرار داده و ما را بی‌نیاز از تعالیم اسلام می‌دانند و با همین دید، در بررسی علل اسلام‌آوردن ایرانیان، شمشیر اعراب را عَلَم کرده و نتوانسته‌اند بین فرهنگ منحط اعراب جاهلی و تعالیم والای مبتنی بر وحی دین اسلام تفکیک قائل شوند.

■ **«مری بویس» و تسامح کوروش**

شرق شناسان غربی هم در فهم شخصیت کوروش کبیر دچار اشتباه‌های هولناکی شده‌اند. در میان این طبقه دونفر به وسعت اندیشه و انصاف در قضاوت‌ها مشهور هستند؛ مری بویس و ریچارد فرای. اما این خصوصیت، مانع از انتقادهای مبنایی و اصولی از کارهای آنها نمی‌شود. مری بویس در جلد دوم کتاب «تاریخ کیش زرتشت (هخامنشیان)»، تسامح کوروش در کشورهای اتباع هخامنشیان و تحمیل نکردن دین بر آنها و آزاد گذاشتن آنان در امور دینی، زبان و اعتقادات را با تسامح بریتانیا در مستعمراتش مقایسه می‌کند. قیاسی نادرست که از درک نکردن منشأ تسامح در اندیشه کوروش کبیر نشأت گرفته است.

■ **قصور محققان داخلی**

متأسفانه اغلب محققان ما، در بررسی فرهنگ ایران باستان، همان اشتباه‌های شرق شناسان غربی را مرتکب شده‌اند. استادِ ذوالفنون دکتر عبدالحسین زرین‌کوب که گستره آثار و عمق مطالعاتش بر کسی پوشیده نیست، در کتاب تاریخ مردم ایران، تصویری بسیار سطحی و ناقص از پادشاه ظاهر و باطن ارائه می‌دهد و او را در سه صفت خلاصه می‌کند: لیاقت نظامی و سیاسی فوق‌العاده و جوانمردی. این نوع نگاه به انسانی باطنی، حتی یک صدم فضایل او را هم منعکس نمی‌کند: «آنچه در باب وی برای مورخ جای تردید ندارد، قطعاً این است که لیاقت نظامی و سیاسی فوق‌العاده در وجود وی با چنان انسانیت و مروتی درآمیخته بود که در تاریخ سلاله‌های پادشاهان شرقی پدیده‌ای به کلی تازه به شمار می‌آمد.» امیدوارم پس از آشنایی نسبی با سه انحراف بزرگ در یادداشت‌های آتی، با قدم گذاشتن بر فَرق ملی‌گرایی، قوم‌گرایی و تحقیقات ناقص و عقیم شرق‌شناسان غربی، با روش متعالی «جاودان خرد» آشنا شویم و با راهنمایی پیران ره شناس ایران باستان در راهی سر راست و مستقیم، فرهنگ متعالی و سمبلیک ایران باستان را بهتر و ژرف‌تر بشناسیم.

ایران ما

رضا سلیمان نوری

شب دوم ماه رمضان؛ شب ویژه اموات در اردبیل

اهالی اردبیل احترام خاص و ویژه‌ای برای درگذشتگان خود قائل هستند. آنان بر همین اساس به هر دلیل و بهانه‌ای در ایام مختلف سال تلاش می‌کنند تا یاد و خاطره اقوام تازه فوت کرده خود را زنده کنند. یکی از این ایام ماه مبارک رمضان است که مردم اردبیل آن را هدیه و رحمت خدایی می‌دانند. آنان بر همین اساس سعی می‌کنند تا در روزهای مختلف رمضان بویژه شب‌های جمعه و ایام قدر مراسم یادبود برای درگذشتگان خود برگزار کنند. در این بین شب دوم ماه مبارک رمضان جایگاهی ویژه نزد مردم اردبیل دارد و تمام افرادی که طی سال گذشته عزیزی را از دست داده‌اند، طبق یک سنت دیرینه، هر سال در این شب، مراسم یادبودی برای وی برگزار می‌کنند. مؤمنان اردبیلی در این شب که می‌توان از آن به شب اموات تعبیر کرد، با برگزاری مجلس ختم، جای خالی درگذشتگان را در نخستین رمضان بعد از درگذشت آنان، با قرائت قرآن کریم و فاتحه‌خوانی، پر می‌کنند.